



اتحاد یا تعدد در روایات مشابه: بررسی تطبیقی عملکرد کتاب های وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه

پدیدآورده (ها) : مهدوی راد، محمد علی؛ بهرامی، محمد حسین
علوم قرآن و حدیث :: حدیث پژوهی :: پاییز و زمستان 1389 - شماره 4 (علمی-
پژوهشی/ISC)
از 7 تا 36

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/692094>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 09/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، محوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب محوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

اتحاد یا تعدد در روایات مشابه

بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه

محمدعلی مهدوی راد*

محمدحسین بهرامی**



چکیده:

روایات معصومین (ع) در مسیر نقل، در قالب نسخه‌های متعدد و نقل‌های متفاوتی درآمده است. گاه یک روایت در یک یا چند کتاب به صورت مکرر نقل شده و در برخی از موارد، نقل‌های متفاوت یک روایت، در متن یا سند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. هرچند مصادر ثانویه حدیث شیعه (برخلاف مصادر اولیه) برای شناسایی این روایات متعدد تلاش فراوانی را شکل داده‌اند، ولی متأسفانه هیچ گاه تعریض مبانی نظری و مشکلات و مسائل آن نشده‌اند. در این مقاله، تلاش شده تا مباحثی از قبیل تعریف اتحاد و تعدد در روایات، فواید شناخت روایات متعدد، معیارهای شناخت روایات متعدد و مشکلات موجود در این مسیر به اجمال معرفی گردد. همچنین عملکرد دو کتاب وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه در این باره مورد بررسی و مقایسه قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها:

اتحاد و تعدد، روایات مشابه، وسائل الشیعه، جامع احادیث الشیعه، تقطیع، نقل به معنی، تصحیف.

* استادیار دانشگاه تهران، پردیس قم

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه / mh_bahrami@miu.ac.ir

بیان مسئله

پس از صدور روایت از جانب مucchoman(ع)، راویان به اشکال مختلف در صدد نقل آن برآمده‌اند. در برخی موارد، یک روایت بارها و احتمالاً به اشکال مختلفی نقل شده است. با گذر زمان و فاصله گرفتن از دوره صدور روایات، و در پی به وجود آمدن جوامع روایی متعدد، بسیاری از روایات دارای نسخه‌ها و نقل‌های متفاوتی شده‌اند. به تعبیر دیگر، گاه دو یا چند روایت نقل شده در یک یا چند منبع حدیثی، در حقیقت بیان‌های متعددی از یک روایت است که به شکلی یکسان یا متفاوت نقل شده است.

یکی از مسائل مورد توجه نگارندگان جوامع حدیثی، شناسایی و معرفی نقل‌های مختلف از یک روایت است. البته میزان توجه و نحوه برخورد با این قبیل موارد یکسان نیست. نگارندگان کتب اربعه و سایر معاصرین ایشان، غالباً توجه زیادی به این امر نکرده و تلاش زیادی برای شناسایی و معرفی این روایات از خود نشان نداده‌اند. حتی در مواردی، مؤلف در یک کتاب، روایت را با سندی و احياناً به شکلی نقل کرده و در همان کتاب یا در سایر کتاب‌های خود آن روایت را با متن یا سندی متفاوت نقل کرده است. در مقابل، جوامع متأخر به این مسئله توجه بیشتری نکرده‌اند و شناسایی و معرفی روایات متعدد یکی از مزایای مهم این کتاب‌ها به شمار می‌رود.

علی‌رغم اهمیت مسئله شناسایی روایات متعدد و فعالیت‌هایی که در این باره توسط تدوین‌کنندگان جوامع حدیثی، به‌ویژه جوامع حدیثی متأخر صورت گرفته، در مباحث نظری علوم حدیث به صورت مستقل به این بحث پرداخته نشده است.^۱

۱. بر اساس بررسی‌های انجام شده، در این موضوع منبع مکتوبی یافت نشد. جزوء دست‌نویسی از حجه الاسلام محمد مسعودی با حواشی حجه الاسلام سید محمد جواد شبیری و تعدادی از محققان مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، که در این مرکز وجود داشت، تنها منبعی بود که در این زمینه مشاهده کرده و در تدوین این مقاله، به‌ویژه بخش فواید و مشکلات شناسایی روایات متعدد، از آن بهره فراوانی برداهیم.

البته این مسئله به معنی ناشناخته بودن این مفهوم در نزد حدیث‌پژوهان نیست. در ادامه و در بحث از پیشینه خواهد آمد که مفهوم اتحاد روایات در برخی از اصطلاحات و شیوه‌های تعامل با احادیث، مورد توجه حدیث‌پژوهان بوده است. در این مقاله، منظور از مفهوم اتحاد در روایات تبیین، و فواید شناسایی روایات متحده به اجمالی بیان می‌شود. سپس معیارهای شناخت روایات متحده ذکر، و موانع موجود در مسیر شناخت اتحاد این روایات نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن‌گاه مبانی و معیارهای شناسایی روایات متحده در دو کتاب وسائل الشیعه و جامع احادیث، به عنوان دو جامع حدیثی مهم متأخر، بررسی می‌گردد و عملکرد این دو کتاب در این زمینه مقایسه می‌شود.

۱. تعریف اتحاد و تعدد روایات

مقصود از روایات متحده در این گفتار، روایاتی است که حاکی از صدور حدیث واحدی از مقصوم(ع) در یک مجلس باشد. به این ترتیب، اگرچه به صورت طبیعی، دو روایت متحده دارای موضوعی مشترک‌اند، اتحاد موضوعی دو روایت به معنای اتحاد دو روایت در صدور نیست. تعابیر و متون دو روایت نیز هرچند معمولاً به شکلی یکسان و یا با مشابهت فراوان نقل شده است، از طرفی ممکن است عبارت مشابهی از دو مقصوم مختلف صادر شده باشد، یا از سوی دیگر، یک روایت واحد با دو عبارت مختلف نقل شده باشد. پس شباهت متنی نیز الزاماً به معنی اتحاد دو روایت در صدور نیست. نسبت بین اسناد دو روایت متحده نیز ممکن است به یکی از شکل‌های زیر باشد:

۱-۱. نقل متوالی مصادر

ساده‌ترین شکل اسناد دو روایت متحده، ذکر روایت موجود در یک مصدر حدیثی توسط مصدر متأخر است. در این حالت، سند کتاب نقل کننده، اعم از سند کتاب منبع است.

هر چند در این شکل، اتحاد بین دو روایت کاملاً مشخص است، نباید از این مسئله غافل شد که این دو روایت، نسخه‌های متفاوتی از یک روایت می‌باشند و باید به عنوان روایات متعدد شناسایی شوند و در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند.

در روایات متعددی که شیخ در کتاب تهذیب و استبصار از مرحوم کلینی نقل کرده، مثال‌های مناسبی برای مطلب فوق پیدا می‌شود. در کتاب وسائل به درستی هر دو نقل در قالب نقل‌های متفاوت از یک روایت، در کنار هم قرار گرفته و اشاره به یک نقل مانع از اشاره به دیگری نشده است.

۲- اتحاد در بخشی از سند

شکل دوم اسناد آن است که روایت صادر شده از جانب معصوم(ع) علاوه بر اتحاد در مجلس صدور، در طبقه اول و احياناً برخی طبقات بعدی نیز توسط راوی یا راویان یکسانی نقل شده باشد، ولی در یکی از طبقات بعدی، چند راوی آن را نقل کرده و روایت از چند طریق متفاوت نقل شده و به چند روایت تبدیل شده باشد. برای نمونه در کتاب تهذیب آمده است:

«مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَىٰ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ وَ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَخْمَدَ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ عَلَىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجْلٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ(ع) الْفَسْلُ بِصَاعٍ مِنْ مَاءٍ...»

و راوی هذَا الْحَدِيثَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفارُ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۶، ح ۶۵ و ۶۶)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، «سلیمان بن حفص» روایت را از امام کاظم(ع) نقل کرده است، ولی روایت در طبقه دوم توسط دو راوی متفاوت نقل شده است. حتی اگر احتمال دهیم راوی مجھولی که در سند اول پیش از «سلیمان بن حفص» قرار گرفته، همان «موسى بن عمر» در سند دوم است، باز از طبقه سوم بین سند دو روایت تفاوت وجود دارد.

۱-۳. تفاوت کامل دو سند

سومین شکل از اتحاد، مربوط به مواردی است که هنگام صدور یک روایت از جانب معصوم(ع)، چند راوی در محفل حضور داشته و هر یک جدایانه روایت را نقل کرده باشند. به این ترتیب، سند دو روایت کاملاً با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه در کتاب تهذیب آمده است:

«عَنْهُ (الحسين بن سعيد) عَنْ صَفَوَانَ عَنْ أَبِنِ مُسْكَانَ عَنْ زَرَارَةَ عَنْ أَخْدِهِمَا وَ عَلَى بْنِ الْعَمَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعْيَبَ عَنْ أُبْيِ عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يُسْلِفُ الرَّجُلَ الْوَرَقَ عَلَى أَنْ يَنْقُدَهَا إِيَّاهُ بِأَرْضِ أُخْرَى وَ يَشْتَرِطُ ذَلِكَ عَلَيْهِ قَالَ لَهُ أَبُاسٌ». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۰۳، ح ۱۳)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، «زراره» و «یعقوب بن شعیب»، روایت را از امام(ع) شنیده و به وسیله طرق مختلفی آن را نقل کرده‌اند. این طرق در شیخ، به یکدیگر رسیده و ایشان دو روایت از دو راوی را در قالب یک روایت نقل کرده است. هر چند در روایت اول، احتمال صدور روایت از امام باقر(ع) وجود دارد، ولی قرینه نقل دو روایت در قالب یک روایت، حکایت از آن دارد که شیخ طوسی نیز احتمال اتحاد دو نقل و صدور آن‌ها از یک امام را قوی‌تر دانسته است.

۱-۴. فقدان سند

شكل چهارم نیز آن است که یکی از دو روایت مرسل بوده و راوی آن مشخص نباشد ولی بتوان از طریق فرایینی آگاه شد که هر دو یک مجلس را نقل می‌کنند. مرحوم حر عاملی در وسائل الشیعه بارها روایتی را از کتابی نقل کرده و سپس به نقل مرسل همان روایت در کتاب من لا یحضره الفقيه اشاره کرده است؛ برای نمونه در این کتاب آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَا سَنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَىٰ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ الْعَبَاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغَيْرَةِ عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَالْكَسْلَ ... وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا»^۱

۱. تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۵

۲. پیشینه بحث

بحث نظری از اتحاد و تعدد روایات در منابع مربوط به حدیث و علوم حدیث، پیشینه نظری ندارد. این سخن به معنای عدم توجه پیشینیان به اتحاد روایات نیست، بلکه در موارد متعددی، مصاديق اتحاد روایات مورد نظر حدیث‌پژوهان بوده است ولی این مسئله به صورت مستقل مورد اشاره و توجه قرار نگرفته و جنبه‌های نظری آن توصیف نشده است. در ادامه، نمونه‌هایی از توجه به مصاديق در مباحث علوم حدیث و همچنین جوامع حدیثی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۱. اتحاد روایات در اصطلاحات حدیثی

برخی از اصطلاحات مورد بحث در مصطلح الحدیث، مبتنی بر مفروض گرفتن مفهوم اتحاد دو روایت است. برای مثال در اصطلاحات متواتر، مستفيض، مشهور و عزیز که بیانگر میزان تکرار روایت در مصادر روایی است، اتحاد بین روایات مکرر، مفروض گرفته شده است.^۱

اصطلاح غریب المتن و غریب الاسناد نیز در صورتی به کار گرفته می‌شود که روایتی که چند بار با متن یا سند خاصی نقل شده است، در نقلی با سند یا متن متفاوت آمده باشد. در این صورت، نقل جدید، غریب المتن یا غریب الاسناد خوانده می‌شود.

روایت مزید نیز در جایی به کار می‌رود که ما باور به اتحاد آن با روایت دیگری داشته باشیم که در نقل دوم به صورت کوتاهتری نقل شده باشد.

مضطرب نیز بر روایتی اطلاق می‌شود که راوی یا راویان آن را یک بار با متن و سندی نقل کنند و در نقل‌های دیگر متن یا سند مخالفی را ذکر کنند. (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۵۹ و ۶۳ و ۸۶ و ۹۹)

۲-۲. اتحاد روایات در جوامع روایی

بررسی جوامع روایی نیز حکایت از آن دارد که برخی از شیوه‌های صحابان این جوامع، مبتنی بر شناخت مصاديق روایات متحد است.

۱. البته متواتر اجمالی از این بحث مستثنی است و مبتنی بر اتحاد دو روایت نیست.

در مصادر اهل سنت، مفهوم تخریج به معنای شناختن مصادر مختلف نقل کننده یک روایت و بررسی محتوا و سند آن و در نهایت، نقل آن با بهترین متن و سند است.

سخاوی در فتح المغیث در تعریف تخریج آورده است: «الخرج المحدث الحديث من بطون الأجزاء والمشيخات والكتب و نحوها. و سياقها من مرويات نفسه او بعض شيوخه او اقرانه او نحو ذلك و الكلام عليها و عزوها لمن رواها من اصحاب الكتب والدواوين مع بيان البطل والموافقة و نحوهما مما سيئاتي تعريفه وقد يتسع في اطلاقه على مجرد الالخرج والعزو». (۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۳۰)

همان‌گونه که در این تعریف آمده است، رکن اول تخریج، و در مواردی تمام آن، نقل روایت از مصادر مختلف است و این موضوع مبتنی بر تشخیص وحدت روایات نقل شده در مصادر مختلف با روایت مورد نظر می‌باشد.

اهل سنت، کتاب‌های متعددی در تبیین اصول و روش تخریج نوشته‌اند. همچنین در موارد متعددی، تخریج روایات یک راوی یا کتاب یا موضوع خاص و یا حتی تخریج یک روایت خاص موضوع تدوین کتاب قرار گرفته است.^۱

بررسی این کتاب‌ها، نشانگر آن است که مفهوم تخریج، نزدیک‌ترین مفهوم به موضوع مورد بحث یعنی اتحاد و تعدد روایات است. اگر شناسایی روایات متعدد را در دو مرحله شناسایی روایات مشابه و سپس شناسایی روایات متعدد از میان روایات مشابه بدانیم، بخش دوم بحث در کتب تخریج مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر، همان‌گونه که در تعریف تخریج گذشت، بخشی از مفهوم تخریج، بررسی‌های متنی و جرح و تعدلیل‌های سندی است که خارج از موضوع اتحاد و تعدد است.

مسئله اتحاد و تعدد روایات در مصادر ثانویه حدیثی شیعه به شکل دیگری قابل مشاهده است. بررسی این مصادر حکایت از آن دارد که صاحبان این مصادر

۱. برای مشاهده فهرستی از این فعالیت‌ها ر.ک: حمش، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳ / الجهود السابقة في علم تخریج الحديث الشريف و الطحان، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸، اشهر کتب التخاریج و التعريف بعضها.

نیز تلاش کرده‌اند تا نسخه‌های مختلف یک روایت را از منابع مختلف اولیه یافته و در کتاب یکدیگر نقل کنند. برای نمونه، بخش قابل توجهی از روایات کتاب‌هایی از قبیل وافی و وسائل الشیعه مشتمل بر بیش از یک سند است. بررسی روایات مشتمل بر بیش از یک سند در این کتاب‌ها، حکایت از آن دارد که این روایات، مصدق بحث اتحاد و تعدد روایات است، هرچند ممکن است در برخی از مصادیق بین این کتب اختلاف وجود داشته و یا در موارد معدودی برخی از مصادیق با تعریف ارائه شده در این مقاله سازگار نباشد.

۳. روش شناخت روایات متخد

پس از آشنایی با مفهوم روایات متخد و فوایدی که از طریق شناسایی روایات متخد حاصل می‌شود، یکی از مسائل اصلی، روش عملی شناخت دو یا چند روایت متخد است. برای این کار باید دو مرحله طی شود.

همان‌گونه که در تعریف اتحاد و تعدد گذشت، دو روایت متخد از نظر موضوع با یکدیگر یکسان‌اند. همچنانی این‌گونه روایات در اغلب موارد شbahat‌های فراوانی در متن و سند دارند. از این‌رو، مرحله اول شناخت روایات مشابه است و در مرحله دوم باید بر اساس ملاک و معیاری روایات متخد را از میان روایات مشابه بازشناخت.

۱-۳. شناسایی روایات مشابه

یکی از مسائل مطرح در کتب تخریج، شیوه یافتن روایت در مصادر پیشین است.^۱

هرچند برخی از این موارد مبتنی بر ویژگی‌های ساختاری بخشی از مصادر اهل سنت است، ولی با توجه به شباهت فراوان بحث، در ادامه به ذکر برخی از مهم‌ترین روش‌های ذکر شده در این کتاب‌ها می‌پردازیم:

- از طریق موضوع حدیث

۱. برای نمونه ر.ک: عبدالмهدی بن عبدالقدار، ۱۹۸۷م، فصول مختلف کتاب.

مهم‌ترین مصادر روایی، روایات را بر اساس موضوع دسته‌بندی کرده‌اند. برای یافتن روایات مشابه در این کتب بهتر است از طریق موضوعی جستجو کرد.

- از طریق عبارت آغازین حدیث

برخی از مصادر اهل سنت از قبیل کتبی که روایات مشهور را گردآوری کرده یا کتاب‌هایی که فهرست روایات را بر اساس حروف الفبا نقل ذکر نکرده‌اند، روایات را بر اساس عبارت آغازین آن فهرست کرده‌اند. در این موارد، برای یافتن روایت مورد نظر با توجه به عبارت آغاز متن می‌توان روایات مشابه را یافت.

- از طریق الفاظ حدیث بهویژه کلمات غیر رایج

رایانه از جمله ابزارهای جدید است که کمک شایانی به یافتن عبارات مشابه می‌کند. به این ترتیب می‌توان کلمه یا عبارتی از روایت مورد نظر را در کتب مختلف جست‌وجو کرد و روایات دارای عبارت مشابه را یافت. برای جلوگیری از مواجه شدن با نتایج فراوان و غیر مرتبط باید واژه‌ها و عباراتی را جستجو کرد که رایج و احتمال تکرار آن نیز زیاد نبوده است.

- از طریق آخرین راوی

از شیوه‌های رایج اهل سنت در ترتیب روایات، نگارش مسانید است. در این کتاب‌ها، روایات بر اساس نام آخرین راوی ذکر شده در سند فهرست شده است. به این ترتیب، با بررسی روایات آخرین روای، می‌توان روایات مشابه آن را در میان روایات وی بازیابی کرد.

۲-۳. معیار حکم به اتحاد

پس از شناسایی روایات بر اساس مشابهت‌های موضوعی، سندی و متنه، نوبت به حکم به اتحاد دو روایت مشابه می‌رسد. چون الزاماً شباهت دو روایت در موضوع، متن و سند به معنای اتحاد آن‌ها در مجلس صدور نیست.

البته هرقدر بر شباهت دو روایت افزوده شود، احتمال اتحاد بین آن دو بیشتر می‌شود، بهویژه روایاتی که در آن‌ها قضیه خاصی از جانب معصوم(ع) نقل می‌شود که وقوع مکرر آن در حالت عادی بعید به نظر می‌رسد. برای مثال در

برخی موارد، تعداد زیادی از سؤال و جواب‌ها با ترتیب و شکل معینی بین معصوم(ع) و راوی تبادل می‌شود. در این قبیل روایات، احتمال آنکه این تکرار ناشی از وقوع مکرر مسئله باشد، بسیار بعيد بوده و باید آن را حمل بر اتحاد روایات کرد. در این میان، هرچه بر قرایبی از قبیل شباهت عبارات، طول روایت، تعدد اتفاقات منتقل در آن، و نادر بودن حادثه گزارش شده افزوده شود، احتمال اتحاد بیشتر می‌شود. نکته قابل توجه آن است که بررسی روایات مشابه همواره به حکم قطعی نسبت به اتحاد یا تعدد دو روایت نینجامیده و در برخی موارد، در مرحله احتمال باقی خواهد ماند.

۴. فواید شناسایی روایات متحد

با توجه به نو بودن بحث نظری از روایات متحد، در این بخش به اجمال به بیان فواید ناشی از شناسایی روایات متحد می‌پردازیم.

فواید شناسایی روایات متحد را می‌توان در چند بخش بیان کرد که عبارت‌اند از:



۱-۴. فواید رجالی

یکی از فواید شناسایی روایات متحد و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، کمک به حل مشکلات رجالی است. ممکن است روایتی که در کتابی به صورت مرسل نقل شده، در کتاب دیگر به صورت مسند نقل شده و سند قابل قبولی داشته باشد، یا فردی که در یک سند به صورت مبهم از وی یاد شده، در سند دیگر با نام کامل ذکر شده باشد. همچنین اسمی تصحیف شده را می‌توان با در کنار هم قرار دادن نقل‌های مختلف از یک روایت شناسایی کرد. اغلب فواید رجالی اختصاص به مواردی دارد که روایات علاوه بر اتحاد در مرحله صدور، در بخشی از مراحل نقل نیز متحد باشند.

بهترین نمونه برای مشاهده فواید رجالی، ۶۳۰ روایتی است که صاحب وسائل، پس از نقل روایت مستند، تعبیر «و رواه الصدوق مرسلاً» را به کار برده است. به تعبیر دیگر، وسائل ۶۳۰ روایت مرسل کتاب فقیه را با نقل نیز نقل کرده است.

در کتاب کافی در سند روایتی در کتاب وصایا چنین آمده است:

«مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبِ عَنْ أَخْمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِنِ مَحْبُوبِ عَنْ خَالِدِ بْنِ رَافِعٍ الْبَجْلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ لِرَجُلٍ شُكْنَى دَارِ...». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۸، ح ۳۹)

جست‌وجو در منابع رجالی، حاکی از آن است که در هیچ کتابی از خالد بن رافع نام برده نشده است، ولی کتاب وسائل، این روایت را با روایتی از کتاب تهذیب و روایتی از کتاب فقیه متحد دانسته و از این طریق توانسته است به وجود تصحیف در نام این روای پی ببرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۲۲۷، ح ۲۴۴۷۴) در سند این روایت در کتاب‌های تهذیب و فقیه به جای «خالد بن رافع»، عبارت «خالد بن نافع» به کار رفته است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۴۲، ح ۴۱ / شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۵۹۶)

مرحوم آیت الله بروجردی در کتاب‌های ترتیب الاسانید خود، روایات دارای استناد مشابه را، فارغ از اتحاد یا تعدد آنها، کنار هم قرار داده و از این طریق بسیاری از مشکلات موجود در استناد روایات را حل کرده است. طبیعی است فواید حاصل از شناسایی و مقایسه روایات متحد بسیار بیشتر از روایاتی است که تنها از جهت سند مشابه یکدیگرند.

۴- فواید متنی

دومین دسته از مزایایی که ممکن است در اثر کنار هم قرار دادن و مقایسه روایات متحد به دست آید، فواید متنی است. متن روایات نیز ممکن است در هنگام نقل، دچار تصحیف، سقط یا زیاده شده باشد که با استفاده از این روش می‌توان نسبت به شناخت و رفع این اشکالات اقدام کرد.

برای نمونه در کتاب تهذیب آمده است:

«مَحْمَدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا تَقُولُ فِي الْإِغْتِكَافِ بِبَعْدِ الدَّادِ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا إِغْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَى فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ صَلَاةً جَمَاعَةً وَلَا بَاسَ أَنْ يُغْتَكَفَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَمَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَمَسْجِدِ مَكَّةَ وَفِي رِوَايَةِ عَلَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ مِثْلَ ذَلِكَ وَرَازَ فِيهِ مَسْجِدُ الْبَصْرَةِ». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۹۱، ح ۱۵ و ۱۴)

همان گونه که مشاهده می شود، تهذیب، دو نقل از یک روایت را کنار هم قرار داده است که در اولی از مساجد کوفه، مدینه و مکه نام برده شده و در دومی مسجد بصره نیز به مساجد قبلی افروده شده است، و به این ترتیب وجود تفاوت در متن این دو نقل را معین کرده است. تشخیص آنکه در این موارد باید به زیاده عمل کرد یا نقیصه، از موضوع بحث فعلی خارج است.

۳-۴. شناسایی موارد تقطیع در روایات

یکی از مهم‌ترین دسته‌های روایات متعدد، روایاتی است که تقطیع شده‌اند. در موارد متعددی، نقل تقطیع شده روایت موجبات سوء فهم را فراهم کرده است.^۱ به همین جهت، محققان باید ضمن توجه به این مسئله در جهت به دست آوردن شکل اولیه و کامل روایت تلاش کنند.

در این نمونه‌ها ممکن است یک روایت به چند بخش تقسیم و قسمت‌های روایت به صورت مجزا نقل شده باشند. در برخی موارد نیز، روایت در جایی به صورت کامل نقل شده و در سایر موارد قطعاتی از آن نقل شده است. یا اینکه بین دو نقل از روایت، عموم و خصوص من‌وجه برقرار بوده و علاوه بر قسمت مشترک، هر یک افزوده‌ای نسبت به دیگری دارد.

۱. برای مشاهده نمونه‌هایی از شناخت مشکل تقطیع و حکم به اتحاد روایات تقطیع شده به این موارد توجه کنید: نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۳۰، ص ۳۱۹ / غروی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۰۰.

به سه روایت زیر توجه کنید:

کافی: «عَلَىٰ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ قَالَ الْخَمْسُ وَ عَنِ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا قَالَ الْخَمْسُ وَ كَذَلِكَ الرَّصَاصُ وَ الصُّفْرُ وَ الْحَدِيدُ وَ كُلُّ مَا كَانَ مِنَ الْمَعَادِنِ يُؤْخَذُ مِنْهَا مَا يُؤْخَذُ مِنَ الْذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۶، ح ۱۹)

کافی: «عَلَىٰ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَأَلَتْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْعَنْبَرِ وَ غَوْصِ الْلُّؤْلُؤِ فَقَالَ عَلَيْهِ الْخَمْسُ» (همان، ج ۱، ص ۵۴۸، ح ۲۸)

تهذیب: «وَ عَنْهُ [علی بن مهزیار] عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَأَلَتْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْعَنْبَرِ وَ غَوْصِ الْلُّؤْلُؤِ فَقَالَ عَلَيْهِ الْخَمْسُ قَالَ وَ سَأَلَتْهُ عَنِ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ قَالَ الْخَمْسُ وَ عَنِ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا قَالَ الْخَمْسُ وَ عَنِ الرَّصَاصِ وَ الصُّفْرِ وَ الْحَدِيدِ وَ مَا كَانَ بِالْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا قَالَ يُؤْخَذُ مِنْهَا كَمَا يُؤْخَذُ مِنَ مَعَادِنِ الْذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۱، ح ۳)

در صورت حکم به اتحاد این سیه روایت، روایاتی که در کتاب کافی تقطیع شده است، به قرینه کتاب تهذیب تکمیل خواهد شد.

۴-۴. کمک به استنباط‌های فقهی

در استنباط احکام از روایات، قواعدی به کار برده می‌شود که توجه به روایات متحد و شناسایی آن‌ها در برخی موارد، مسیر استنباط و به کارگیری این قواعد را دچار تحول می‌سازد.

برای نمونه، در برخی موارد تکرار بیان یک حکم از جانب معصوم(ع) دلیل بر صحت حکم شمرده می‌شود و در استنباط فقهی، موجب ترجیح آن بر دلایل مخالف می‌گردد. در صورتی که اتحاد روایات اثبات کننده یک حکم ثابت شود، دیگر تکرار نقل آن نمی‌تواند دلیل بر ترجیح یک حکم بر حکم دیگر گردد.

با اینکه فقهاء در بسیاری از موارد با دقت فراوان نکاتی را از ویژگی‌های جزئی تعابیر روایات استفاده کرده و اصل را بر آن می‌دانند که تعابیر ائمه(ع) به صورت

دقیق و بی‌هیچ کم و کاست برای ما نقل شده است. در این قبیل موارد نیز، اثبات اتحاد بین دو روایت که از نظر تعبیر با یکدیگر متفاوت‌اند، حکایت از آن دارد که حداقل یکی از دو تعبیر از جانب راویان بوده و تعبیر معصوم(ع) نیست. مرحوم آیت الله بروجردی در شیوه استنباط خود، همواره به این نکات توجه داشته و در پی شناسایی روایات متعدد برآمده‌اند.

«مرحوم بروجردی، این اختلاف‌ها [در نقل‌های مختلف از یک روایت] را ناشی از تداول نقل به معنا در گزارش سیره و یا کلام معصومان(ع) می‌دانست و بر این باور بود که امام(ع)، حکم را یکبار بیان کرده است، شنوندگان مجلس، هر کدام بر پایه مقدار برداشت و فهم خود، حکم را در قالب الفاظ و تعبیر خود، نقل کرده‌اند. بنابراین، اولاً احتمال تعدد روایت و بیان مکرّر آن از سوی معصوم(ع) متنفی می‌گردد؛ ثانیاً حجیبت تعبیر و ساختار کلام، غیر قابل اثبات می‌شود، زیرا تعبیر و ساختار کلام، بین احتمال آنکه از امام باشد و یا تعبیر برگزیده راوی، مردّ می‌گردد و در نتیجه، بسیاری از برداشت‌ها و اجتهادها که ناشی از توجه به تفاوت‌های تعبیری و یا ساختار بیانی است و در احتیاط‌های فقهی نمود پیدا می‌کند. قابل نقد و تردید می‌شوند؛ ثالثاً تشخیص «اضطراب در متن» که در مباحث درایه الحدیث، یکی از ابزارهای شناخت صحت و سقم حدیث است، نیازمند دقت بیشتر می‌گردد، زیرا اضطراب در متن، همواره به مفهوم عدم صدور روایت نخواهد بود و ممکن است ناشی از ضعف و ناتوانی ادبی راوی نخستین باشد.» (سلطانی، ۱۳۷۹ش، ص ۳۲)

سومین کمک شناسایی روایات متعدد به استنباط‌های فقهی، کاستن از حجم روایاتی است که باید از نظر متن و سند مورد بررسی قرار گیرند.

۴-۵. نگاه تاریخی به سیر تدوین حدیث

یکی از فواید شناسایی روایات متعدد، آن است که با بهره‌گیری از نتایج این شناسایی، می‌توان نگاه بهتری به تاریخ تدوین حدیث و اتفاقاتی که در دوره‌های مختلف در ارتباط با احادیث به وقوع پیوسته، داشت.

برای مثال، میزان نقل به معنی در دوره‌های مختلف نقل حدیث و یا توسط راویان مختلف، میزان و چگونگی تقطیع در دوره‌های مختلف نقل حدیث و هر یک از مصادر و یا راویان، میزان دقت مصادر یا راویان مختلف در نقل تعبیر روایات، میزان صحت نسخه‌هایی از مصادر که در دسترس مؤلفان جوامع قرار داشته و نکاتی از این قبیل، مسائلی است که با نگاه کلی به نتایج حاصل از کنار هم قرار دادن نسخه‌های مختلف روایات متعدد، و مقایسه آن‌ها به دست می‌آید.

در ادامه با ذکر نمونه‌هایی روش خواهد شد که بر اساس مشاهده تفاوت نقل در روایات کتاب مقننه با سایر کتاب‌ها، به نظر می‌رسد مرحوم شیخ مفید در این کتاب در برخی از موارد در صدد نقل به معنی بوده و گاه توضیحاتی از خود را به روایات افزوده است.

به این ترتیب، نباید تمام روایات نقل شده در این کتاب را عین عبارت معصوم(ع) دانست.

۴-۶. هم‌افزایی بین اطلاعات موجود در مورد روایت دلی
علماء در طی سال‌های متتمادی، مطالبی را در رابطه با جوانب مختلف هر روایت نوشتند که این مطالب در بین کتب حدیثی پراکنده است.

برای مثال، ممکن است روایتی در هنگام نقل در یک کتاب شرح شده باشد و در کتاب دیگر، نقل دوم از این روایت مورد بررسی و کنکاش سندی قرار گرفته باشد و در نقل سوم متعدد با آنکه در کتاب سومی آمده، نکته مهمی در رابطه با ویژگی‌های سندی روایت ذکر شده است.

شناسایی اتحاد بین این سه روایت می‌تواند علاوه بر کنار هم قرار دادن متن آن‌ها، اطلاعات مرتبط با روایت را نیز در کنار هم قرار دهد تا محققان و پژوهشگران به حجم وسیعی از تلاش‌های پیشینیان خود در ارتباط با شرح، تفسیر، ترجمه، و سایر بررسی‌های سندی و متنی دسترسی داشته باشند.

۵. مشکلات موجود در مسیر شناخت روایات متعدد

گفتیم که روایات متعدد از نظر موضوع، یکسان، و از نظر متن و سند نیز احتمال مشابهت بین آنها فراوان است؛ ولی در این میان، عواملی وجود دارد که موجب ایجاد تفاوت بین دو روایت شده و مانع از شناسایی روایات متعدد گردیده است. در ادامه به برخی از این موانع اشاره می‌شود.

۵-۱. نقل به معنی

از آنجا که امکان نگارش حدیث در بسیاری از موارد در مجلس صدور فراهم نبوده، راویان حدیث همواره این نگرانی را داشته‌اند که نتوانند روایت را به صورت دقیق با همان الفاظی که از معصوم(ع) صادر شده، نقل کنند. این موضوع در موارد متعددی از خود معصومین(ع) نیز سؤال شده و در بی آن، حکم جواز نقل به معنی از جانب ایشان صادر شده است. برای نمونه در کتاب کافی آمده است:

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَسْمَعْ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَأَرِيدُ وَ أَتَقْصُ قَالَ إِنْ كُنْتَ تَرِيدُ مَعَانِيهَ فَلَا تَبَأْسُ^۱ (کلینی، ۷، ج ۱، ص ۵۱، ح ۲۰۷)

در کتب علوم حدیث نیز علماء نقل به معنی را به صورت مشروط پذیرفته‌اند.

(شهید ثانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴ / غفاری، ۱۳۶۹، ص ۱۹۰ / رامهرمزی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰۴)

(۵۳۳)

بدین ترتیب، روایتی که از طرق متعدد و با نقل‌های متفاوتی به دست طبقات متأخر رسیده، ممکن است در یکی از طبقات نقل به معنی شده باشد. به همین دلیل، نمی‌توان همواره انتظار داشت روایات متعدد از نظر تعابیر شبیه هم باشند. از این رو، نقل به معنی یکی از موانع شناسایی روایات مشابه به شمار می‌رود.

۵-۲. تصحیف

با توجه به شبیه‌ها و ابزارهایی که در دوره‌های اولیه کتابت حدیث در میان راویان مرسوم بوده، در موارد زیادی تعابیر روایات تصحیف شده و تغییر شکل

۱. همچنین مراجعه شود به روایات باب آداب الروایه از بحار الانوار (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۸)

یافته است. وقوع تصحیف در برخی از نقل‌های روایات متحدد، یکی از مشکلاتی است که موجب ایجاد تفاوت‌های جدی بین دو نقل شده، و مانعی بر سر راه شناسایی اتحاد روایات به شمار می‌رود.

در برخی موقع، این تصحیف در سند روایت و یا حتی در نام معصوم(ع) بوده و امر شناسایی اتحاد بین دو روایت را کاملاً با مشکل مواجه می‌سازد. بر این اساس، وجود برخی تفاوت‌ها و حتی در برخی از موارد، تغایرها بین متن سند و یا حتی نام معصومی که روایت از وی نقل شده، نباید دلیل قطعی بر عدم اتحاد دو روایت به شمار آید.^۱

۳-۵. تقطیع

سومین مانع در مسیر شناسایی روایات متحدد، تقطیع روایات است. در برخی موارد، یک روایت به چند بخش تقسیم شده است. در صورتی که نقل کامل روایت در یکی از منابع حدیثی وجود داشته باشد، شناسایی قطعات آن در سایر منابع کار چندان دشواری نیست.

همچنین اگر بین قطعات به وجود آمده نقاط مشترکی وجود داشته باشد، می‌توان بر اساس این قطعات بار دیگر روایت را بازسازی کرد و روایت اصلی را به دست آورد.

ولی در برخی موارد، یک روایت به چند بخش تقسیم شده و نقطه اشتراکی که بتوان بر اساس آن به اتحاد روایات پی برد و روایت را بازسازی کرد، وجود ندارد.

مواردی که یک راوی با سندی مشترک، روایات متعددی را از ابتدا تا انتهای احکام یکی از عبادات از قبیل نماز یا حج از یکی از ائمه(ع) نقل می‌کند، از مصاديق بارز این بحث به شمار می‌رود. در این موارد، به احتمال زیاد، یک روایت مفصل در بیان کامل حکم از امام(ع) صادر شده است، ولی صاحبان جوامع روایی

۱. مرحوم آیت الله محمدتقی شوشتاری از جمله عالمانی است که تحریف و تصحیف جایگاه مهمی در دیدگاه‌های حدیثی ایشان داشته است. برای تفصیل بیشتر ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۳.

برای تبییب بهتر، اقدام به تقطیع این قبیل روایات کرده‌اند. در صورتی که متن روایت اصلی در هیچ یک از مصادر به صورت کامل نقل نشده باشد، تشخیص اتحاد این روایات و بازسازی روایت اصلی، کار دشواری خواهد بود.

۶. روایات متحد در وسائل و جامع احادیث

همان‌گونه که در ابتدای بحث گذشت، توجه به مسئله روایات متحد در منابع متأخر بیشتر مورد توجه صاحبان جوامع روایی قرار گرفته است. وسائل الشیعه، یکی از مهم‌ترین این جوامع است که در مسیر نقل روایات، تلاش زیادی برای شناسایی و اشاره به روایات متحد کرده است.

جامع احادیث شیعه نیز از دو جهت مورد توجه است؛ اولاً این کتاب ناظر به کتاب وسائل و با هدف رفع نقاوص آن به نگارش درآمده است، ثانیاً شناسایی روایات متحد، جایگاه والایی در اندیشه مرحوم آیت الله بروجردی، که این کتاب بر اساس دیدگاه‌های ایشان نوشته شده است، دارد.

ویژگی‌های مسئله اتحاد و تعدد روایات در این دو کتاب را می‌توان در عناوین زیر خلاصه کرد:

۶-۱. تعدد حکم به اتحاد روایات

بررسی روایات کتب اربعه حکایت از آن دارد که صاحبان این کتب، غالباً برای نقل یک روایت تنها به ذکر یک نسخه از آن اکتفا می‌کرده‌اند. روایاتی از تهذیب که در استبصار با سند متفاوتی نقل شده‌اند، نمونه روشنی از این مسئله است.

در مقابل، در جوامع ثانویه، این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار شده و در این مصادر، سعی زیادی برای شناسایی نقل‌های مختلف یک روایت و در کنار هم قرار دادن آن‌ها صورت گرفته است. کامل‌ترین شکل این مسئله در روایات فقهی در کتاب وسائل الشیعه و در بی‌آن در کتاب جامع احادیث الشیعه قابل مشاهده است. در این دو کتاب تا حد زیادی تلاش شده است تا به نقل‌های مختلف یک روایت اشاره شود.

در کتاب وسائل الشیعه پس از نقل سند و متن یک روایت، اسناد سایر نقل‌های متعدد به صورت ذیلی مورد اشاره قرار گرفته است. مقصود از سند ذیلی، آن است که بخش متفاوت سند نقل شده و سپس با تعبیری از قبیل مثله و نحوه، به شباهت بقیه سند و متن اشاره شده است. برای مثال به روایت زیر توجه کنید:

«[محمد بن یعقوب] عنْ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبْنَيْهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَبِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَدَاءِ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ(ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) قَالَ اللَّهُ أَكْرَمُ وَجْهَ لَا يَتَكَبَّلُ الْعَامِلُونَ إِلَى عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِشْوَابِي...»

وَعَنْ عِدَةٍ مِنْ أَصْحَابَنَا عَنْ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ
وَرَوَاهُ الصَّدَّوقُ فِي التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ عَنْ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَرَوَاهُ الطُّوْسِيُّ فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْمُفَيْدِ عَنْ أَبِنِ قُولُونِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
يَقْنُوبِ

وَرَوَاهُ أَيْضًا عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْمُفَيْدِ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَى بْنِ مَهْرَوْنِيِّ عَنْ
دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمانَ عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِائِهِ(ع) وَمِثْلَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۶)
همان‌گونه که مشاهده می‌شود، وسائل روایت را از یک منبع نقل کرده و
سپس اسناد چهار روایت دیگر را به صورت ذیلی ذکر کرده است.

در کتاب جامع احادیث، به تقلید از کتاب واقعی برای اشاره به روایات متعدد غالباً از شیوه نقل متدخل روایات استفاده شده است. در این شیوه، بخش‌های متفاوت از هر نقل با ذکر نام کتاب مورد اشاره قرار گرفته و سپس به بخش مشترک اشاره شده است؛ برای نمونه به مثال زیر توجه کنید:

«کافی، ج ۳، ص ۲۷۴: الحسین بن محمد، عن احمد بن اسحق، عن بکر بن محمد الاژدی؛ تهذیب، ج ۲، ص ۴؛ محمد بن علی بن محبوب، عن العباس، عن بکر بن محمد، قال: فقيه، ج ۱، ص ۱۴۰: قال ابوعبدالله عليه السلام لفضل الوقت الاول على الاخير خير للرجل من ولده و ماله.» (بروجردی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۶)
ح (۵۵۹۷)

۶-۲. بهره‌گیری از فواید شناخت روایات متعدد

در این دو کتاب، استناد روایات متعدد غالباً در کنار یکدیگر ذکر شده و امکان مقایسه بین آن‌ها حاصل می‌گردد. به این وسیله بسیاری از ابهامات یا اشکالات ناشی از تفاوت دو سند برای مخاطب روشن می‌گردد. شیوه وسائل در این زمینه آن است که سند صحیح‌تر یا روشن‌تر را برای مخاطب خود ذکر، و از اشاره به جزئیات تفاوت‌ها اجتناب می‌کند. برخلاف جامع احادیث که در بسیاری از موارد، جزئیات تفاوت‌های بین دو سند را نیز روشن می‌کند.

در رابطه با متون نیز، وسائل الشیعه پس از نقل یک روایت و ذکر سند نقل دوم به صورت ذیلی، در برخی موارد اقدام به ذکر تفاوت‌های دو متن می‌کند، که غالباً به ذکر کاستی‌ها و افزودگی‌های قابل توجه می‌پردازد. در کتاب جامع احادیث نیز علاوه بر ذکر تفاوت دو متن از جهت کاستی و افزودگی، با استفاده از روش‌هایی همچون پاورقی و پرانتز، تفاوت‌های عبارتی جزیی نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد. بدین شکل، تدوین‌کنندگان این دو کتاب علاوه بر کنار هم قرار دادن دو یا چند روایت متعدد به برخی از فواید شناسایی این روایات نیز اشاره کرده‌اند. ضمن اینکه با کنار هم قرار گرفتن دو روایت متعدد، زمینه برای خواننده هر یک از این دو کتاب نیز فراهم می‌شود تا ضمن مقایسه دو نقل، از فوایدی که برای شناسایی و مقایسه روایات متعدد ذکر شد، بهره‌مند گردد.

برای نمونه، وسائل در نقل روایتی آورده است:

او يَأْسِنَةِ (صَدُوق) عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ أَوْصَانِي أَبُو عَيْدَ اللَّهِ (ع) فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَذْءُ الْأَمَانَةَ وَصِدْقَ الْحَدِيثِ وَخَسْنَ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحَّبَتْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

وَرَوَاهُ الْكُلَّيْنِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَخَسْنَ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحَّبَتْ وَرَوَاهُ التَّرْقِيُّ فِي الْمَعْلَمَاتِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ مِثْلَهُ.(حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۱۰۵)

به این ترتیب، ضمن کنار هم قرار دادن اسناد کتاب‌های فقیه، کافی و محسن به تفاوت عبارتی کافی و فقیه هم اشاره کرده است. جامع احادیث با توجه به تفاوتی که در شیوه نقل متن و سند روایات متعدد دارد، در هنگام نقل این روایات چنین آورده است:

«کافی، ج ۲، ص ۴۹۱: محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن محمد بن سنان؛ فقیه، ج ۲، ص ۱۸۰: عن عمار بن مروان(الکلبی- فقیه) قال اوصانی ابو عبدالله علیه السلام فقال اوصیک بتقوى الله و اداء الامانة و صدق الحديث و حسن الصحابة (۱) لمن صحبت(و لا حول- المحسن) و لا قوة الا بالله.

المحسن، ص ۳۵۸: البرقی عن ابیه عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان الكلبی قال اوصانی ابو عبدالله علیه السلام و ذکر مثله (۱) و حسن الصحبة لمن صحبتک- فقیه.»

۶-۳. توجه به مشکلات شناخت روایات متعدد

مشاهده نمونه‌های حکم به اتحاد دو روایت در کتاب‌های وسائل و جامع احادیث، به خوبی نشانگر آن است که دو مؤلف نسبت به مشکلات به وقوع پیوسته در شناسایی روایات متعدد توجه داشته و این مشکلات مانع از تشخیص و معروفی روایات متعدد نشده است.

در این بخش به شیوه تعامل دو کتاب با روایاتی که دچار نقل به معنی، تصحیف و تقطیع شده‌اند، می‌پردازیم.

- نقل به معنی

شیوه عملکرد دو مؤلف در مسئله نقل به معنی یکسان نیست. در کتاب جامع احادیث شیعه با توجه به نظر آیت الله بروجردی در فقه، مبنی بر اتحاد بسیاری از روایات و ضرورت شناخت موارد آن، توجه بیشتری به مسئله نقل به معنی شده است.(سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۳۲)

از همین رو، در برخی موارد که وسائل دو روایت مشابه را از یکدیگر مجرزا دانسته و هر یک را به تنها ی نقل کرده است، جامع احادیث حکم به اتحاد دو

روایت داده و نسبت به نقل دو روایت در قالب یک روایت واحد اقدام کرده است.
برای نمونه به دو روایت زیر توجه کنید:

کافی: «مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرُّجُلِ يُسَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَعْهُ جَارِيَةً لَهُ فَلَمَّا أَنْ يُصِيبَ مِنْهَا بِالنَّهَارِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تَعْرَفُ حُرْمَةً شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ اللَّهَ فِي الْلَّيْلِ سَبِّحًا طَوِيلًا قُلْتُ أَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ وَيَشْرَبَ وَيَقْصُرَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ رَحَّصَ لِلنَّاسِ فِي الْإِفْطَارِ وَالتَّقْصِيرِ رَحْمَةً وَتَحْفِيفًا لِمَوْضِعِ التَّغْبَ وَالنَّصْبِ وَوَعْثِ السَّفَرِ وَلَمْ يُرَخِّصْ لَهُ فِي مُجَامِعَةِ النِّسَاءِ فِي السَّفَرِ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأُوجَبَ عَلَيْهِ فَضَاءُ الصَّيَامِ وَلَمْ يُوجَبْ عَلَيْهِ فَضَاءُ تَمَامِ الصَّلَاةِ إِذَا آتَى مِنْ سَفَرِهِ ثُمَّ قَالَ وَالسَّنَةُ لَا تُقَاسُ وَإِنِّي إِذَا سَافَرْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا أَكُلُ إِلَى الْقُوتِ وَمَا أَشْرَبُ كُلَّ الرَّى». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۴، ح ۵)

کافی: «عَلَى بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقِ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرُّجُلِ يَأْتِي جَارِيَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ مَا عَرَفْتَ هَذَا حَقُّ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ اللَّهَ فِي الْلَّيْلِ سَبِّحًا طَوِيلًا». (همان، ج ۴، ص ۱۳۴، ح ۶)

کافی، این دو روایت را به صورت پی در پی و بدون اشاره به اتحاد آنها نقل کرده است. وسائل نیز به تبعیت از کافی این دو را از یکدیگر مجزا دانسته و آنها را به عنوان دو روایت ذکر کرده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۱۳۲۲۱ و ۱۳۲۲۲) ولی در جامع احادیث با توجه به اتحاد موضوع و شbahت تعبیر و همچنین اتحاد آخرين راوي، تفاوتها ناشی از نقل به معنی دانسته شده و دو روایت در قالب روایت واحدی نقل شده است. (بروجردی، ۱۳۷۱ق، ج ۱۱، ص ۵۳۰، ح ۱۵۴۱۱)

- تصحیف و تقطیع

بر خلاف مسئله نقل به معنی، تصحیف در متن یا سند روایت مانع از حکم به اتحاد روایات در وسائل نشده است. در این کتاب، بسیاری از روایات که

مشابه یکدیگرند، و تفاوت‌های جزئی موجود به احتمال زیاد ناشی از تصحیف در نقل است، در قالب یک روایت نقل شده است. هرچند شیوه حر عاملی در وسائل آن است که معمولاً به این تفاوت‌های جزئی اشاره نمی‌کند.

یکی از نمونه‌های بارز توجه به مشکل تصحیف و حکم به اتحاد دو روایت، مواردی است که علی‌رغم تفاوت در نام امام(ع) حکم به اتحاد دو روایت شده است. برای نمونه به سه روایت ذیل توجه کنید:

کافی: **«مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْخَسِينِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَىٰ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ(ع) قَالَ سَأَلَتُهُ عَمَّا يَخْرُجُ مِنَ الْبَحْرِ مِنَ الْلَّؤْلُؤِ وَ الْيَاقوْتِ وَ الزَّبِرْجَدِ وَ عَنْ مَعَادِنِ الدَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ مَا فِيهِ قَالَ إِذَا بَلَغَ ثَمَنَهُ دِينَارًا فَفِيهِ الْخَمْسُ.»** (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۱)

المقفعه: **«وَ سَئَلَ الصَّادِقَ(ع) عَنْ مَقْدَارِ مَا يَجْبَ فِيهِ الْخَمْسِ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْبَحْرِ كَالْلَؤْلُؤِ وَ الْيَاقوْتِ وَ الزَّبِرْجَدِ وَ عَنْ مَعَادِنِ الدَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَقَالَ إِذَا بَلَغَ قِيمَتَهُ دِينَارًا فِيهِ الْخَمْسُ.»** (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۳)

المقفع: **«وَ سَئَلَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَمَّا يَخْرُجُ مِنَ الْبَحْرِ مِنَ الْلَّؤْلُؤِ وَ الْيَاقوْتِ وَ الزَّبِرْجَدِ، فَقَالَ: إِذَا بَلَغَ قِيمَتَهُ دِينَارًا فِيهِ الْخَمْسُ.»** (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۲)

هرچند شباهت موضوع و تعبیر، حکایت از اتحاد این سه روایت دارد، ولی نقل از سه امام مختلف می‌تواند مانع از حکم به اتحاد این سه روایت گردد. علی‌رغم این مسئله، وسائل و جامع احادیث هر دو تفاوت در نام امام را ناشی از تصحیف دانسته و هر سه روایت را در قالب یک روایت نقل کرده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۹۳، ح ۱۲۵۶۵ / بروجردی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۱۴۲۳۷)

همچنین بسیاری از روایات که در برخی نقل‌ها تقطیع شده‌اند، در کتاب وسائل به عنوان روایات متعدد شناسایی شده و به افتادگی و افزودگی آن‌ها نسبت به یکدیگر اشاره شده است. این موارد با تعبیری از قبیل «الا انه زاد ...»، «الا انه ترك ...» و «الا انه قال ...» قابل شناسایی است. جامع احادیث نیز در این موارد

همانند شیوه خود در سایر روایات، در قالب نقل متداخل دو روایت به افتادگی و افزودگی روایات اشاره کرده است.

۶-۴. عدم اشاره به احتمال اتحاد بین دو روایت

در بررسی موضوع اتحاد دو روایت، در بسیاری از موارد ممکن است نتیجه احتمال اتحاد باشد. هرچند در این قبیل موارد تنها احتمال مطرح است، ولی ذکر این احتمال نیز در بسیاری از موارد در برخورد با روایت تأثیرگذار است. برای نمونه، در صورت وجود احتمال اتحاد دو روایت، استناد به اختلافات در تعابیر صحیح نمی‌باشد.

با توجه به اهمیت موضوع و کثرت فواید حاصل از ذکر این احتمال، بهتر است در جوامع حدیثی، مؤلف علاوه بر اشاره به مواردی که از اتحاد آن‌ها اطمینان دارد، موارد احتمالی را نیز مورد اشاره قرار دهد. نمونه این عمل در روایات متعارض قابل مشاهده است، که در جوامع حدیثی معمولاً هنگام اشاره به دو روایت متعارض، وجود احتمالی جمع بین این روایات نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در بخش‌های مختلفی که از دو کتاب وسائل و جامع احادیث مورد بررسی قرار گرفت، هیچ‌گاه اشاره‌ای به احتمال اتحاد بین دو روایت و قرائین اتحاد یا عدم اتحاد دو روایت نشده است.

۶-۵. عدم تبیین مبانی شناخت روایات متعدد و ابهام در عملکرد

گفته‌یم که حدیث‌پژوهان متأخر در خلال فعالیت‌های خود به صورت عملی با ضرورت شناسایی و معرفی روایات متعدد آشنا شده و با توجه به فواید حاصل از آن تلاش کرده‌اند تا بر مشکلات موجود در این مسیر فائق آیند. از سوی دیگر، در مباحث علوم حدیث، موضوع شناسایی روایات متعدد به صورت بحث مستقل طرح نشده و زوایای مختلف آن مورد بررسی قرار نگرفته است.

نتیجه این دوگانگی آن است که مؤلفان جوامعی همچون وسائل و جامع احادیث هرچند در عمل، نمونه‌های فراوانی از روایات متعدد را شناسایی و

معرفی کرده‌اند، ولی هیچ‌گاه به تبیین دقیق مبانی خود نپرداخته‌اند. حتی با مشاهده برعی از موارد، این ذهنیت ایجاد می‌گردد که به دلیل عدم تبیین مبانی و شیوه برخورد با روایات متعدد، نمونه‌هایی از دوگانگی در شیوه برخورد با این روایات در این دو کتاب وجود دارد.

به نظر می‌رسد حداقل برعی از این دوگانگی‌ها و اختلافات در برخورد با مصاديق مختلف ناشی از عدم تبیین و تتفییع موازین و معیارهای شناخت روایات متعدد باشد. برای نمونه، در بحث از شناسایی موارد تقطیع در روایات به روایتی که در کتاب کافی تقطیع شده و به صورت کامل در تهذیب نقل شده بود، اشاره شد. نحوه تعامل این دو کتاب با این روایات قابل توجه است.

وسائل با توجه به شیوه خود در تقطیع احادیث، روایت تهذیب را همانند کافی به دو قسم تقسیم کرده و با تعبیر «فی حدیث» و «الحدیث» به تقطیع شده بودن هر دو روایت اشاره کرده است. همچنین ذکر سند روایات کافی در هر دو قسم تقطیع شده از روایت تهذیب، نشان از حکم وی به اتحاد دو روایت در کافی دارد.(همان، ج ۹، ص ۴۹۲، ح ۱۲۵۶۲ و ج ۹، ص ۴۹۸، ح ۱۲۵۷۶) ولی جامع احادیث در این مورد به شکلی متفاوت از سایر موارد عمل کرده و در یک مورد روایت اول کافی را بدون اشاره به اتحاد آن با روایت تهذیب ذکر کرده و در مورد دیگر روایت دوم کافی را به همراه روایت تهذیب در قالب یک روایت ذکر کرده است. به این ترتیب، جامع احادیث اشاره‌ای به اتحاد دو روایت کافی نکرده است.(بروجردی، ج ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۱۵، ح ۱۴۲۲۳ و ج ۱۰، ص ۲۳، ح ۱۴۲۳۵)

۶- اکتفا به ذکر برعی از نقل‌های روایات متعدد در وسائل

حر عاملی، در موارد مختلفی از کتاب خود، یک روایت را در دو یا چند مکان مختلف تکرار کرده است. ضمن اینکه در این قبیل موارد، برخورد یکسانی با ذکر نقل‌های مختلف از یک روایت نکرده است. در برعی موارد، روایت را از یک مصدر نقل کرده است، در حالی که در جای دیگری از کتاب، چند نقل مختلف از همان روایت را از مصادر مختلف نقل کرده است.

تعدد این قبیل موارد، حاکی از آن است که ایشان اصراراً بر ذکر همه نقل‌های متعدد با یک روایت نداشته است. برای نمونه، وسائل، روایتی را از سه کتاب عقاب الاعمال، علل الشرایع و صفات الشیعه نقل کرده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷۴، ص ۳۰۵۳۰)

همین روایت در جای دیگری از کتاب وسائل از دو کتاب معانی الاخبار و صفات الشیعه نقل شده است (همان، ج ۲۷۴، ص ۳۰۵۳۰) و در جای سومی تنها از کتاب معانی الاخبار نقل شده و روایت علل الشرایع به عنوان روایتی مجزا پس از آن ذکر شده است. (همان، ج ۲۹، ص ۱۳۲، ح ۳۵۳۲۴ و ۳۵۳۲۵)

۷-۶. کثرت حکم به اتحاد در جامع احادیث نسبت به وسائل

دیدگاه ویژه آیت الله بروجردی نسبت به شناخت روایات متعدد، توجه جدی به مسئله احتمال نقل به معنی، و نگاشته شدن کتاب جامع احادیث با نگرش به کتاب وسائل الشیعه، همه از عواملی است که موجب شده است اشاره به اتحاد روایات در کتاب جامع احادیث، بسیار بیشتر از کتاب وسائل الشیعه باشد. برای نمونه، وسائل در جایی روایتی از کافی را نقل کرده است که:

«وَ [محمد بن يعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَخْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَىٰ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلَىٰ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ كُلُّ شَيْءٍ قُوْتَلَ عَلَيْهِ عَلَىٰ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَإِنَّ لَنَا خَمْسَةَ وَلَا يَحْلِلُ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِي مِنَ الْخَمْسِ شَيْئًا حَتَّىٰ يَصِيلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا». (همان، ج ۹، ص ۴۸۷، ح ۱۲۵۵۰)

در همان جلد از کتاب وسائل، روایت از مقنعة شیخ مفید نقل شده است که: «مُحَمَّدٌ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنِعَةِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ كُلُّ شَيْءٍ قُوْتَلَ عَلَيْهِ عَلَىٰ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَإِنَّ لَنَا خَمْسَةَ وَلَا يَحْلِلُ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِي مِنَ الْخَمْسِ شَيْئًا حَتَّىٰ يَصِيلَ إِلَيْنَا نَصِيبُنَا». (همان، ج ۹، ص ۵۴۲، ح ۱۲۶۷۳)

به نظر می‌رسد با توجه به میزان شباهت فراوان متن دو روایت و آخرین راوی سند، دو روایت متحدد باشند، ولی علت عدم اشاره صاحب وسائل به این اتحاد به درستی مشخص نیست.

جامع احادیث، این دو روایت را متحدد تشخیص داده و در قالب یک روایت نقل کرده است.(بروجردی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۸، ح ۱۴۲۰۶)

۶-۸ مقایسه دیدگاه آیت الله بروجردی و عملکرد جامع احادیث شیعه
انتظار اولیه از کتاب جامع احادیث آن است که علاوه بر در نظر گرفتن دیدگاه‌های کلی آیت الله بروجردی در جنبه‌های مختلف تدوین این کتاب، اظهار نظرهای جزیی ایشان نیز مد نظر قرار گیرد تا استفاده کنندگان از این کتاب، به صورت کامل از دیدگاه‌های ایشان بهره‌مند گردند؛ ولی مشاهده دیدگاه‌های ایشان، که در کتاب‌های تقریرات فقه ایشان منعکس شده، نشان از آن دارد که متأسفانه در تدوین کتاب جامع احادیث، این آراء مد نظر قرار نگرفته و کتاب بر اساس دیدگاه‌های جزیی ایشان تدوین نشده است.

برای نمونه به دو روایت ذیل توجه کنید:

من لا يحضره الفقيه: (روى أَخْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضِيرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمُسُ مِنَ الْكَثِيرِ فَقَالَ مَا تَجِبُ الزَّكَاةُ فِي مِثْلِهِ فَفِيهِ الْخُمُسُ). (شیخ صدق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۶۴۷)

المقنعه: «سئل الرضا(ع) عن مقدار الكثر الذي يجب فيه الخمس فقال ما يجب فيه الزكاة من ذلك ففيه الخمس و ما لم يبلغ حد ما يجب فيه الزكاة فلا خمس فيه». (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۳)

نظر آیت الله بروجردی در رابطه با اتحاد این دو روایت در کتاب زیاده این گونه نقل شده است: «وَ الَّذِي يَقُوِّي فِي النَّفْسِ عَدَمُ كَوْنِهِمَا روایتین حتَّى يَنْظُرَ فِي دَلَالَةِ كُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا عَلَى حَدِّهِ بَلِ الرَّوَايَةِ إِنَّمَا هِيَ الْأُولَى مِنْهُمَا وَ الَّذِي أَرْسَلَهُ الْمُفَيدُ نَقْلَ لِتَلْكَ الرَّوَايَةِ بِتَفْسِيرِ مِنْهُ فَالْوَاجِبُ حِينَئِذٍ النَّظَرُ إِلَى تَلْكَ الرَّوَايَةِ وَ بِيَانِ مَا يَسْتَفَادُ مِنْهَا». (ابو ترابی، ۱۳۷۲، ص ۲۸)

علی‌رغم این دیدگاه و آنچه از شیوه برخورد جامع احادیث با این قبیل روایات نقل شد، این کتاب دو روایت را متحد ندانسته و در قالبِ دو روایت مستقل نقل کرده است. (بروجردی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۱۴۲۳۲ و ۱۴۲۳۳) وسائل نیز دو روایت را به شکلی مجزا و به عنوان دو روایت ذکر کرده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۴۹۵، ح ۱۲۵۷۰ و ح ۹، ص ۴۹۷، ح ۱۲۵۷۴)

نکته مهمی که به عنوان فایده توجه به اتحاد دو روایت از جانب آیت الله بروجردی طرح شده، آن است که در صورت حکم به اتحاد دو روایت، احتمال نقل به معنی روایت در مفňعه و افزودن بخش پایانی روایت به عنوان جمله توضیحی از جانب شیخ مفید قابل بررسی خواهد بود. هرچند این مسئله تأثیری در معنی این روایت نداشته باشد، همان‌گونه که گذشت، تکرار این موارد می‌تواند استناد به الفاظ کتاب مفňعه را در موارد مشابه نیز با مشکل روبرو سازد.^۱



نتیجه‌گیری

بسیاری از روایات موجود در مصادر روایی ما با یکدیگر متحدند. بدین معنی که نقل‌های مختلفی از یک روایت‌اند که در مجلس واحدی از معصوم(ع) صادر شده است.

شناسایی این روایات می‌تواند فواید مختلفی را برای حدیث‌پژوهان در بر داشته باشد از قبیل: فواید رجالی، فواید متنی، کمک به حل مشکلات تقطیع، کمک به استنباط‌های فقهی، تکمیل نگاه تاریخی به سیر تدوین حدیث.

۱. برای مشاهده برخی از نمونه‌های نقل به معنی در کتاب مفňعه به روایات زیر از کتاب جامع احادیث توجه کنید:

بروجردی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۸۳، ح ۱۰۶۸۹ و ح ۱۲، ص ۱۹۱، ح ۱۶۳۸۳
دقت در نحوه نقل سند و تلخیص آن در مفňعه، حاکی از آن است که در تفاوت بین مفňعه و کتب دیگر، اختلاف ناشی از تغییر از جانب کتاب مفňعه است.

برای شناسایی روایات متحده می‌توان به معیارهایی از قبیل شباهت سندی، شباهت متنی و نقل قضایای خاص اشاره کرد. در این مسیر، موانعی نیز وجود دارد که عبارت‌اند از نقل به معنی، تصحیف و تقطیع.

بررسی مسئله روایات متحده در دو جامع حدیثی متاخر، وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه، حکایت از آن دارد که۔ علی‌رغم عدم تبیین نظری این موضوع توسط مؤلفان۔ این دو کتاب در مسیر شناسایی روایات متحده، شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. از جمله:

— تلاش برای احصای روایات متحده؛

— اشاره به فواید متنی و سندی ناشی از کنار هم قرار گرفتن روایات متحده؛

— حکم به اتحاد علی‌رغم تصحیف یا تقطیع روایات؛

— عدم اشاره به موارد احتمالی در اتحاد روایات؛

در این میان، تنها جامع احادیث، روایاتی را که نقل به معنی شده‌اند نیز جزء روایات متحده دانسته است. این مسئله در کنار جایگاه روایات متحده در دیدگاه فقهی آیت الله بروجردی موجب شده است تا اشاره به اتحاد روایات در کتاب

جامع احادیث بسیار بیشتر از کتاب وسائل زندگانی باشد. ■

منابع

۱. ابوترابی، سید عباس؛ زبدة المقال؛ تقریرات آیت الله بروجردی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۲. بروجردی، سید حسین؛ جامع احادیث الشیعه؛ به اهتمام اسماعیل معزی ملایسری، قم: بی‌نا، ۱۳۷۱ش.
۳. —؛ ترتیب اسناد کتاب الکافی؛ تنظیم حسن نوری، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۳ق.
۴. بهرامی، محمدحسین؛ «اندیشه‌های حدیثی علامه محمدتقی شوشتری در کتاب النجعه»؛ مجله علوم حدیث، شماره ۳۲، ۱۳۸۳.

٥. رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمن؛ المحدث الفاصل بین الرأوى و الموعى؛ بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۴ق.
٦. سخاوى، محمد بن عبدالرحمن؛ فتح المغیث؛ ریاض: مکتبه دار المنهاج، ۱۴۲۶ق.
٧. سلطانی، محمد علی؛ «فقه الحديث در نگاه آیت الله بروجردی»؛ فصلنامه علوم حدیث، شماره ۱۷، ۱۳۷۹ش.
٨. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی؛ الرعاية لحال البداية في علم الدرایه؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
٩. شیخ صدق، محمد بن علی بن بابویه؛ المقنع؛ قم: مؤسسه الامام الهادی(ع)، ۱۴۱۵ق.
١٠. ———؛ کتاب من لا يحضره الفقيه؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
١١. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ الاستبصار فيما اختلف من الاخبار؛ تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
١٢. ———؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
١٣. حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۰۹ق.
١٤. حمس، عداد محمود؛ علم تخریج حدیث و نقاده؛ عمان: دار الفرقان، ۱۴۲۰ق.
١٥. طحان، محمود؛ اصول التخریج و دراسة الاسانید؛ ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۰۳ق.
١٦. عبدالمهدی بن عبدالقدار؛ طرق تخریج حدیث رسول الله(ص)؛ قاهره: دار الاعتصام، ۱۹۸۷م.
١٧. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
١٨. غروی، میرزا علی؛ التنبیح فی شرح العروة الوثقی، تقریرات درس آیت الله خوبی؛ قم: دار الهادی، ۱۴۱۰ق.
١٩. غفاری، علی اکبر؛ تلخیص مقباس الهادیه؛ تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۶۹ش.
٢٠. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
٢١. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)؛ بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
٢٢. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ المقنعه؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
٢٣. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام؛ تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.